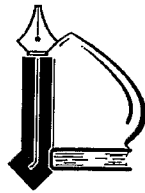
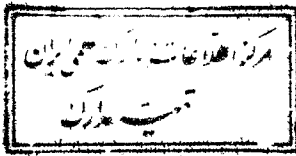




۱۳۷۸ / ۳ / ۳۰



دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته

زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

«ارزش فرهنگی درخت در آثار منظوم عرفانی

از سنایی تاجامی»

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمدجعفر یاحقی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر رضا انزابی نژاد

پژوهش و نگارش:

مرضیه صدربرآز

تابستان ۱۳۷۷



دانشگاه گیلان

دانشگاه ادبیات و علوم انسانی

شماره

تاریخ

پیوست

به نام خدا

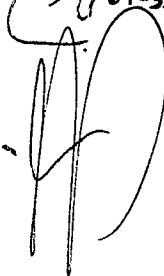
گزارش جلسه دفاع پایان نامه

از آنجاکه آقای / خانم مرضیه مهرزاد دانشجوی دوره کارشناسی ارشد / دکتری زبان و ادبیات فارسی ، واحدهای درسی خود را درین مقطع تحصیلی گذرانده اند و پایان نامه خویش را که موضوع آن « آثار عرفانی منظوم فارسی از سنای تاجی » است برای دفاع آماده کرده اند، بموجب نمایه و ضمیمه جلسه شورای تخصصی گروه زبان و ادبیات فارسی و بدعوت این گروه ، جلسه دفاع ایشان در ساعت ۴ پیش از ظهر / بعد از ظهر در اتاق شورای دانشکده تشکیل گردید.


در آغاز آیاتی از قرآن مجید تلاوت شد آنگاه بدعوت استاد راهنمای رساله آقای / خانم مرضیه مهرزاد خطابه دفاعیه خود را قرائت کردند . سپس پرسشهای هیأت داوران مطرح گردید و آقای / خانم مرضیه مهرزاد با پاسخ به آن سوالات به دفاع از رساله خویش پرداختند. پس از دفاع ایشان در ساعت ۱/۳ جلسه برای شور به مدت ۱۵ دقیقه تعطیل گردید. سرانجام بابررسی و ارزیابی هیأت داوران و باتوجه به ماده ۲۲ آیین نامه<sup>۱</sup> مربوط به دریافت درجه کارشناسی ارشد / دکتری زبان و ادبیات فارسی رساله مزبور به اتفاق آراء با درجه عالی معادل ۱۸۱۵ پذیرفته گردید و آقای / خانم مرضیه مهرزاد به احراز درجه کارشناسی ارشد / دکتری زبان و ادبیات فارسی نایل آمدند .

هیأت داوران این پایان نامه و امضا کنندگان این گزارش عبارتند از :

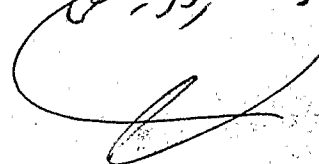
استاد منتخب گروه آقای دکتر نام

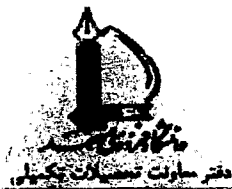


استاد / استادان مشاوره دکتر ...



استاد راهنما دکتر ...





## فرم چکیده پایان‌نامه تحصیلی (کارشناسی ارشد)

نام خانوادگی دانشجو: صدر بزاز نام: مرضیه

عنوان پایان‌نامه: ارزش فرهنگی درخت در آثار منظوم عرفانی از سنایی تا جامی

استاد راهنما: جناب آقای دکتر محمد جعفر یاحقی استاد مشاور: جناب آقای دکتر رضا انزابی‌نژاد

دانشکده: ادبیات رشته: زبان و ادبیات فارسی گرایش:

تاریخ دفاع: ۷۷/۴/۲۱ تعداد صفحات: ۱۴۱

کلید واژه‌ها:

چکیده: (حداکثر ده سطر - لطفاً تایپ شود)

### «چکیده»

این پایان‌نامه، مشتمل است بر شش فصل که در آن جلوه‌ها و ارزشهای فرهنگی درخت با تکیه بر آثار منظوم عرفانی در قرنهای ششم تا نهم بررسی شده است. فصل اول به نگرشها و باورهای افسانه‌ای و اساطیری درباره درخت اختصاص دارد. تجلی درخت بویژه جلوه رمزی آن در فرهنگ و عرفان اسلامی موضوع فصل دوم را تشکیل می‌دهد. در فصلهای سوم تا پنجم به ترتیب به جنبه‌های نمادین درخت شامل: رمز حق تعالی، نماد انسان، و تمثیل فضایل و رذایل اخلاقی پرداخته شده، و در فصل ششم پیوند درخت با آب با تکیه بر جنبه‌های رمزی آن مورد بررسی قرار گرفته است.



## فرم چکیده پایان نامه تحصیلی (کارشناسی ارشد)

نام خانوادگی دانشجو: صدریزاد نام: مرضیه

عنوان پایان نامه: ارزش فرهنگی درخت در آثار منظوم عرفانی از سنایی تا جامی

استاد راهنما: جناب آقای دکتر محمد جعفر یاحقی استاد مشاور: جناب آقای دکتر رضا انزابی نژاد

دانشکده: ادبیات رشته: زبان و ادبیات فارسی گرایش:

تاریخ دفاع: ۷۷/۴/۲۱ تعداد صفحات: ۱۴۱

کلید واژه‌ها:

چکیده: (حداکثر ده سطر - لطفاً تایپ شود)

### Abstract

This thesis is based mainly on six chapters in which the Cultural appearance and values of TREE basically on the knowledge (poems) of the sixth through ninth century has been assessed. Chapter One deals with fabulous attitudes and belief (s) and myth about the TREE.

Chapter Two specially deals with the outer appearance of the TREE and the mystery of the TREE in Islamic Culture and knowledge. In chapters three through five the author clings to the outer appearance aspects of the TREE concerning: mystery of God, symbol of human being, discrimination of good and bad (ethics). In Chapter six the correlation between TREE and water based on the mysterious aspects has been dealt with.

## «چکیده»

این پایان‌نامه، مشتمل است بر شش فصل که در آن جلوه‌ها و ارزشهای فرهنگی درخت با تکیه بر آثار منظوم عرفانی در قرنهای ششم تا نهم بررسی شده است. فصل اول به نگرشها و باورهای افسانه‌ای و اساطیری درباره درخت اختصاص دارد. تجلی درخت بویژه جلوه رمزی آن در فرهنگ و عرفان اسلامی موضوع فصل دوم را تشکیل می‌دهد. در فصلهای سوم تا پنجم به ترتیب به جنبه‌های نمادین درخت شامل: رمز حق تعالی، نماد انسان، و تمثیل فضایل و رذایل اخلاقی پرداخته شده، و در فصل ششم پیوند درخت با آب با تکیه بر جنبه‌های رمزی آن مورد بررسی قرار گرفته است.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	چکیده
۶	مقدمه و شیوه کار
۱۲	سپاس
۱۳	فصل اول: درخت در باورهای عمومی
۱۳	درخت، رمز انسان
۱۵	رمز آفرینش کیهان
۱۵	تمثیل پیوند زمین با آسمان
۱۸	درخت، نهانگاه ارواح
۱۸	درختان اسطوره‌ای
۲۰	پیوند عاطفی و روانی انسان و درخت
۲۲	گذر زمان در آینه درخت
۲۳	یادداشتهای فصل اول
۲۵	فصل دوم: جلوه درخت در فرهنگ و عرفان اسلامی
۲۷	درخت در سرگذشت پیامبران
۳۲	درختان قرآنی
۳۳	نگرش رمزی به درخت در عرفان
۳۴	یادداشتهای فصل دوم
۳۷	فصل سوم: درخت، تجلی آفتاب حق
۵۲	یادداشتهای فصل سوم

۵۳	..... فصل چهارم: انسان، درخت سر بلند آفرینش
۵۳	..... مفهوم مطلق انسان
۶۰	..... درخت تن
۶۱	..... درخت جان و دل
۶۷	..... درخت، نماد عاشق و وجد و سماع عاشقانه
۷۳	..... «پیر» و تمثیل درخت
۷۵	..... مردان خدا، درختان باغ ایمان و بندگی
۸۰	..... تصویر صفات مذموم انسانی در نماد درخت
۸۳	..... درخت، تمثیل «گواهی ظاهر بر باطن»
۸۷	..... درخت، رمز رستاخیز
۸۹	..... درختان باغ رسالت و امامت
۹۲	..... تمثیلهای دیگر
۹۴	..... یاداشتهای فصل چهارم
۹۵	..... فصل پنجم: درختان خوبی و بدی
۹۵	..... فضایل انسانی
۹۵	..... ایمان، تقوا، اخلاص
۹۸	..... علم، حکمت، اندیشه
۱۰۰	..... عشق، محبت، دوستی
۱۰۲	..... کمال طلبی
۱۰۳	..... حیات و سرزندگی
۱۰۴	..... آزادگی و بلند همتی
۱۰۶	..... استواری



صفحه	عنوان
۱۰۷	بی‌برگی و ترک تعلقات
۱۰۸	تواضع و فروتنی
۱۰۹	احسان و نیکی
۱۱۱	وفا و درست پیمانی
۱۱۲	شهادت و کشته شدن در راه عشق
۱۱۳	رذایل اخلاقی
۱۱۳	نفس و پیروی از آن
۱۱۵	تعلقات
۱۱۹	بی‌ثمری و آزار
۱۲۱	یادداشتهای فصل پنجم
۱۲۲	فصل ششم: پیوند آب و درخت و جلوه‌های نمادین آن
۱۲۴	آب عشق، درخت جان
۱۲۸	تصویرهای شاعرانه از پیوند اسطوره‌ای آب و درخت سرو
۱۳۰	جلوه‌های دیگر پیوند آب و درخت
۱۳۴	یادداشتهای فصل ششم
۱۳۵	کتابنامه
۱۳۹	فهرست اسامی درختان و گیاهان

## مقدمه و شیوه کار

برای اولین بار هنگامی که استاد محترم زبان و ادبیات فارسی، جناب آقای دکتر یاحقی، در کلاس درس «شاهنامه»، بررسی «درخت» را به عنوان موضوع پایان‌نامه تحصیلی مطرح نمودند، هرگز گمان نداشتم که مطلب تا این اندازه گسترش و عمق داشته باشد. تصوّر درباره درخت، تا آن زمان همان تصوّری بود که افراد غالباً دارند: جاننداری از گروه نباتات، دارای ریشه، تنه، شاخه، برگ، و احیاناً گل و میوه که در بهار جوانه زده، سبز می‌شود؛ تابستان به ثمر می‌نشیند و در پاییز و زمستان دچار خزان شده و به خواب زمستانی می‌رود. علاوه بر اینها، موجب پاکیزگی هوا و سالم سازی محیط زیست است و به همین دلیل روز یا روزهایی از سال را به غرس نهال و کاشتن و نشاندن درخت اختصاص داده‌اند. از باورهای عامیانه درباره درخت نیز همین اندازه می‌دانستم که درخت میوه‌دار را نباید انداخت چرا که بیم آن می‌رود این عمل، مرگ نابهنگام یکی از عزیزان را به دنبال داشته باشد.

پس از برگزیدن «درخت» به عنوان موضوع پایان‌نامه اگرچه مدّتی به طول انجامید تا با آن انس و الفت یابم، اما با گذشت زمان و افزایش مطالعه در این زمینه، هرچه بیشتر گستردگی و ژرفای این مفهوم در پیشینه فرهنگی اقوام گذشته، بخصوص در فرهنگ و ادب فارسی و بالاخص ادبیات عرفانی برایم روشنتر، و افقهای تازه‌تری در برابرم گشوده می‌شد؛ بویژه مفاهیم رمزی و نمادین «درخت»، هرچه زیباتر و شورانگیزتر جلوه‌گری می‌نمود.

### شیوه کار

در تهیه و تدوین این پایان‌نامه، ابتدا نزدیک به بیست اثر از شاعران عارف در طول قرنهای ششم تا نهم را به عنوان منابع اصلی کار برگزیدم. آن‌گاه تعدادی از مآخذ و کتب را جهت کسب اطلاعات جانبی

در این زمینه، مطالعه نمودم. حاصل مجموع این مطالعات حدود ۱۰۰۰ فیش بود که از میان آنها فقط تعداد ۵۰۰ فیش در تهیه و تدوین این دفتر، استفاده شد. در فصل اول با عنوان «درخت در باورهای عمومی» غالباً از نظرات و آثار محققین بیگانه و کتابهای ترجمه شده ایشان بهره برده‌ام. در فصل دوم، همان‌گونه که از عنوان آن پیداست، با توجه به متون عرفانی و قرآن و کتب تفسیر، به موضوع پرداخته‌ام. فصلهای سوم تا ششم به دریافته‌ها و استنباطهای تحلیلی از تلقی شاعران عارف درباره درخت اختصاص دارد. در فصل سوم، ابتدا تمام فیشهایی که در آنها، درخت، رمز حق تعالی بوده و یا به گونه‌ای می‌توانسته جلوه حق واقع شود (همچون درخت موسی و نخل خشکیده مریم) گردآوری نموده‌ام و چون تعداد و تنوع آنها در حدی نبوده که تفکیک شده، عنوانهای فرعی به آن اختصاص داده شود، در تنظیم و تفکیک شواهد شعری، تقدّم تاریخی شاعران را رعایت کرده‌ام.

فصل چهارم که تقریباً مفصلترین بخش این پایان‌نامه است به علت تنوع و گستردگی موضوع، خود به

بخشهای کوچکتر با عناوین فرعی، تقسیم شده است.

در تنظیم مطالب این فصل، ابتدا به مفهوم مطلق درخت پرداخته‌ام؛ آن‌گاه جنبه جسمانی و مادی و مجرد انسان و پس از آن ابعاد روحانی و معنوی او را در ارتباط با رمز درخت بررسی کرده‌ام. بخشهای پایانی این فصل، شامل موضوعهای کم تنوع است که شواهد شعری زیادی ندارند.

فصل پنجم، خود به دو بخش عمده یعنی «درختان خوبی» و «درختان بدی» یا «فضایل اخلاقی» و «رذایل اخلاقی» تقسیم شده است. در این فصل تا آن جا که ممکن بوده است، بخشهای کوچک را در هم ادغام نموده، تحت عنوانی واحد قرار داده‌ام. مثلاً در قسمت درختان خوبی، «علم»، «حکمت»، و «اندیشه» را زیر یک عنوان واحد آورده‌ام، همچنین «عشق» و «دوستی» را و... نمونه‌های دیگر از این قبیل. در فصل ششم با عنوان «پیوند آب و درخت و جلوه‌های نمادین آن» به دلیل آن که در اشعار عرفانی، بویژه در دیوان کبیر، مکرراً «جان آدمی»، رمز درخت، و «عشق» نماد آب واقع شده بود، بخشی را به این موضوع اختصاص دادم.

از سوی دیگر، ارتباط آب و درخت سرو نیز به تکرار در اشعار عرفانی آمده است؛ (این مطلب شاید به دلیل رابطه اسطوره‌ای میان آب و درخت سرو باشد که در جای خود بدان اشاره خواهد شد). بدین جهت در بخشی جداگانه، اختصاصاً به این موضوع پرداختم.

شواهد متنوع دیگری نیز در این زمینه بود که به لحاظ کمی قابل ملاحظه به نظر نمی‌رسید. اینها را به عنوان پایان بخش فصل ششم، ذیل عنوان «جلوه‌های دیگر پیوند آب و درخت» مطرح نمودم. یادداشتهای مربوط به هر فصل، در پایان همان فصل آمده و مآخذ شواهد شعری هر کدام بلافاصله زیر شاهد مربوطه ذکر شده است؛ در ذکر مآخذ اخیر، ابتدا نام اثر، و در صورتی که دارای چند جزء یا چند جلد بوده، شماره آن، و بالاخره شماره صفحه مربوط به شاهد شعری آمده است. در یادداشتهای مآخذ شواهد شعری، تنها به ذکر عنوان اثر اکتفا نموده، مشخصات کامل آن را در کتابنامه آورده‌ام.

در اقتباس و بهره‌گیری از مطالب دیگران، اگر عین مطلب، نقل شده، داخل گیومه قرار گرفته و در پایان، پس از بستن گیومه، شماره مربوط به توضیح و یادداشت مربوطه ذکر شده است و چنانچه از مفهوم مطالب و کتابها و منابع استفاده شده باشد، بدون گیومه اما با ذکر شماره مربوط به توضیحات آمده است. حرکتها و اعراب‌گذاری‌ها و نیز علامتهایی که در شواهد شعری به کار رفته، مربوط به متن اصلی است، چنانچه به لحاظ نگارشی، اصل متن غلط بوده، اصلاح شده است.

در آثار شاعران عارف، درخت به مفهوم فیزیکی و طبیعی آن نیز به کار رفته است، البته این موضوع در حوزه کار این پایان‌نامه - که مشتمل بر آثار مربوط به سبک عراقی است - چندان چشمگیر نیست. تنها در برخی منظومه‌های داستانی و کتابهایی چون هفت اورنگ جامی، حدیقه سنایی و مثنوی مولوی، و بندرت در غزلیات و قصاید، می‌توان درخت به مفهوم طبیعی آن را ملاحظه نمود؛ در همین تعداد اندک هم درخت، عنصر قابل توجهی به نظر نمی‌رسد. در این شواهد، حتی جنبه‌های زیبایی‌شناسی و توصیفی ظاهر درخت نیز آن گونه که در سبک خراسانی و در اشعار امثال منوچهری و فرّخی آمده است، مطرح نیست. به دلایل فوق و نیز به دلیل کم بودن نمونه‌های شعری و این‌که اساساً جنبه فیزیکی مفهوم درخت از

حوزه کار این پژوهش خارج است، از اختصاص دادن فصل یا بخشی به این موضوع خودداری نمودم؛ به برخی از این نمونه‌ها ذیلاً اشاره می‌شود:

گفت: «این باری یقین شد پیش عام  
 که جهان در امر یزدان است رام  
 هیچ برگگی در نیفتند از درخت  
 بی قضا و حکم آن سلطان بخت»

(مثنوی، دفتر سوم، ۹۲)

ای چرخ آسیا ز چه آب است گردشت  
 از گردشی کنار زمین چون ارم کنی  
 آخر یکی بگو که: «چه دولاب آهنی؟»  
 وز گردشی دگر، چه درختان که برگگی

(دیوان کبیر، ۶، ۲۳۰)

همان‌گونه که ملاحظه شد در این مثالها، هیچ‌گونه استفاده رمزی و تمثیلی و کنایی از درخت نشده

است.

نکته دیگری که توضیح آن لازم به نظر می‌رسد این است که برخی از اشعار، به اقتضای محتوا و مضمون، با بیش از یک موضوع تناسب داشته‌اند؛ لذا از آنها در چند مورد و در چند بخش استفاده شده و ممکن است تکراری به نظر برسد. به عنوان مثال ابیات زیر، علاوه بر آن که با فصل سوم یعنی «درخت، تجلی آفتاب حق» تناسب دارد، به فصل ششم یعنی «پیوند نمادین آب و درخت» نیز مربوط می‌شود.

بسیا که نور سماوات خاک را آراست  
 شکوفه نور حق است و درخت، چون مشکات  
 جهان پر از خضر سبزپوش دانی چیست؟  
 که جوش کرد ز خاک و درخت آب حیات

(دیوان کبیر، ۱، ۲۸۰)

نکته دیگر مربوط به برخی مآخذ است که از آنها شواهد شعری بیشتری ذکر شده است، بهره‌گیری بیشتر از این مآخذ، فقط به دلیل مقتضیات و ویژگیهای آنها بوده و دلیل خاص دیگری ندارد. به عنوان نمونه، مثنوی و دیوان کبیر از مآخذی هستند که شواهد شعری متعدّد و فراوانی را در این پژوهش به خود اختصاص داده‌اند، شاید در نگاه اول، مخاطب این دفتر، تعصّبی را دخیل در این مطلب ببیند لکن چنین

نیست، این آثار، خود برجستگیهای خاصی داشته‌اند که سایر مآخذ از آن بی‌بهره بوده‌اند.

با این نگرش، شاید حتی بتوان ادعا کرد که در حقّ این قلّه‌های ادب و عرفان، جفا رفته است. «مولانا جلال‌الدین بلخی» را کنار «نعمت‌الله ولی»، «عراقی» و «خواجو» قرار دادن - هرچند که از شعرای نامی این مرز و بومند - در حکم نشانیدن الماس، کنار خرده شیشه است و چگونه می‌شود هرچند با نگاه خشک یک پژوهنده بی‌طرف - اینها را در جایگاهی واحد، قرار داد؟ ارزشهای ذاتی و وجودی شاعران صاحب فرهنگ، همچون مولوی، خود تثبیت‌کننده جایگاه والای ایشان است، نه نگاه احياناً متعصبانه پژوهنده‌ای همچون حقیر؛ قضاوت در این زمینه را به اهل فن و صاحبان ذوق وا می‌گذارم.

البته به لحاظ کمی، شاید بیشترین شواهد را در دیوان «خواجوی کرمانی» جستیم اما فقط در صید کمی از این شواهد، قابل بررسی و تحلیل در حیطه کار این پایان‌نامه بود. در سایر موارد، تقریباً همه جا «درخت سرو» به عنوان «مشبهه به قامت معشوق» به کار رفته بود. تکرار این تصویر کلیشه‌ای، آن هم به گونه‌ای سطحی، آن قدر از حدّ و اندازه گذشته بود که در برخی موارد، فقط به ذکر شماره صفحات مربوطه اکتفا کرده، از فیش کردن آنها خودداری نمودم. برخلاف «خواجو»، در آثار «عطار»، اگرچه تصاویر اندکی از درخت آمده است، اما در همان تعداد انگشت شمار، عمق و ژرفای خیره‌کننده‌ای ملاحظه می‌شود.

«مولوی» اما، از این هر دو ویژگی یعنی کمیت و کیفیت، توأمان برخوردار است. به لحاظ کمی، از نماد درخت، فراوان بهره جسته، و از نظر کیفیت، عمیق و ژرف، به این مسأله پرداخته است.

نکته دیگر درباره شیوه کار، «فهرست اسامی درختان» است که در پایان، آمده و احتمالاً می‌تواند به عنوان راهنمایی برای آن دسته از پژوهندگان باشد که در این زمینه تحقیق می‌کنند. این فهرست، مشتمل بر اسامی حدود ۹۰ درخت است که البته همه آنها در زمره درختان حقیقی نیستند. برخی از این درختان، اسطوره‌ای‌اند و برخی صبغه مذهبی داشته، در زمره درختان مقدّس به شمار می‌روند. برخی دیگر همچون «شجر اخضر موسی» و «نخل خشکیده مریم»، اشاره به قصه‌ای تاریخی - مذهبی دارند. عنوان بعضی از درختها، برگرفته از تعبیرات قرآنی است مانند «شجره طیبه» و «شجره خبیثه»؛ و عنوان برخی، مربوط به

تعبیر عرفانی است که در متون و مآخذ مربوطه به آن اشاوشده همچون تعبیر «درخت واژگون» که رمزی از انسان است. اسامی بعضی از گلها و گیاهان مانند خرزهره، بنفشه و ریواس نیز در این فهرست آمده است. در شیوه نگارش و تصحیح این پایان نامه، از چاپ یازدهم کتاب راهنمای نگارش و ویرایش تألیف اسانید محترم جناب آقای دکتر یاحقی و جناب آقای دکتر ناصح بهره جسته ام.